

بنياد فرهنگي كهزاد

هوم يشت

ادب پيش از اسلام افغانستان

ترجمه

احمد علي كهزاد

هوم یشت

ادب پیش از اسلام افغانستان

ترجمه: احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

در ساعتیکه «هاونی»⁽¹⁾ حاکمیت داشت «هوم»⁽²⁾ با «زراتشترا» که مشغول شستن آتشکده و خواندن «گاتها» بود، نزدیک شده «زراتشترا» از او پرسید: ای مرد، ای مردی که در عالم اجسام به زیبایی تو ندیده ام، کی هستی؟

هومای مصفا، دور کننده مرگ، به او جواب داد: ای زراتشترا، من هومای مصفا، دور کننده مرگم. ای «اسپیتما» مرا بگیر، مرا باز و بنوش، به افتخار و به تعریف من سرودی بخوان، سرودی که نیکوکاران آینده تکرار خواهند کرد.

زراتشترا گفت: نیایش میکنم هوما را، ای هوما، اولین کسی که در عالم اجسام ترا ساخت کی بود؟ به چه اجری نایل شد؟ و چه مزدی دریافت؟

هوم دور کننده مرگ به او جواب داد: اولین کسی که در عالم اجسام مرا ساخت «وی وان هات»⁽³⁾ بود. اجری که بوی داده شد و مزدی که دریافت عبارت از این بود که «یما خشیت» (یاما پادشاه) شبان خوب و با افتخاری که نظیرش در میان بشر پدید نیامده و جهان را مانند شعاع آفتاب به چشم یک رنگی میدید، در خانه اش متولد شد. در دوره سلطنت او رمه ها و انسان ها از مرگ جهیده و نبات از خشکی رهائی یافت و خوراکه کثرت پیدا کرد. در زمان سلطنت یاما پادشاه رشید سرما و گرما و پیری و رنجوری و حسد نشانه دخالت دیوها، ارواح خبیثه ناپدید شد. تا زمانی که «یما» پسر «وی وان هات» صاحب رمه های خوب سلطنت داشت، پدر و پسر به قد و قامت جوان پانزده ساله پهلوی هم گشت و گذار میکردند.

ای هوما دومین کسی که در عالم اجسام ترا ساخت کی بود؟ به چه اجری نایل شد و چه مزدی دریافت؟ هومای مصفا، دور کننده مرگ بمن گفت: دومین کسی که در عالم اجسام مرا ساخت «آتویا»⁽⁴⁾ بود. اجری که بوی داده شد و مزدی که دریافت عبارت از این بود که در خانه او «ترتونا» (فریدون) از خاندان نیرومندی متولد شد.

او «ازهی دهاکا» (ضحاک) را که دارای سه دهن، سه سر، شش چشم و هزار گوش بود و درغگو و شریر و شیطان جهان بشمار میرفت، بقتل رسانید. «ازهی دهاکا» بزرگترین دروغگوئی بود که «انگرومینو» (اهریمن) بر علیه عالم اجسام و برای انهدام جهان خوبی بمیان آورده بود.

ای هوما! سومین کسی که در عالم اجسام ترا ساخت کی بود؟ به چه اجری نایل شد؟ و چه مزدی دریافت؟

هومای مصفا، دور کننده مرگ بجواب من گفت: سومین کسی که برای عالم اجسام مرا ساخت «تریتا»⁽⁵⁾، نیکوکارترین مرد قبیله «سامه»⁽⁶⁾ بود. اجری که به وی داده شد و مزدی که دریافت عبارت از این بود که دو پسر بنام های «یوروخشه یه»⁽⁷⁾ و «کرساسپه»⁽⁸⁾ در خانه او تولد شد.

تریتا مار شاخداری را کشت که اسپ ها را میخورد، انسانها را میگزید، ماری بود زهردار و زرد. زهر زردگونی بضامت یک شصت از او جاری بود. بالای پشت او کرساسپه غذای خود را در دیگ آهنین مییزید. وقت چاشت چون پشت مار مذکور گرم آمد، سخت خیز زد و دیگ آهنین بهوا پرید و آب آن چپه شد. کرساسپه رشید ترسید و خود را عقب کشید.

ای هوما! چهارمین کسی که در عالم اجسام ترا ساخت کی بود؟ به چه اجری نایل شد و چه مزدی دریافت؟

هومای مصفا، دور کننده مرگ، بمن گفت: چهارمین کسی که در عالم اجسام مرا ساخت «پورشسپه»⁽⁹⁾ بود، اجری که به وی داده شد و مزدی که دریافت عبارت از این بود که تو ای «زراتشترا» برباد کننده دیوها و حامل قوانین اهورا در خانه او در «ایریانایچه»⁽¹⁰⁾ معروف متولد شدی. تو ای زراتشترا اولین کسی میباشی که به صدای بلند «اهوناویریا»⁽¹¹⁾ را چهار مرتبه و بیشتر خواندی. تو ای زراتشترا دیوهائی را که پیشتر در روی زمین بودند در قهر زمین مخفی ساختی. تو قویترین، مقتدرترین، فعالترین، سریع ترین و فاتحترین مخلوقات هستی.

زراتشترا گفت: نیایش میکنم هوما را، هوما خوب است، هوما به خوبی خلق شده، او عادل خلق شده، او خوب و مداوا کنند خلق شده، بدنش زیبا است، خواستار نیکوئی است. فاتح است، رنگ او طلایی و ساقه اش قابل انعطاف است. برای نوشیدن خیلی خوب است و روح را بیدار میسازد.

ای هومای طلائی از تو دانش، نیروی پیروزی، صحت و شفا سعادت و عظمت، قوه بدنی و بصیرت آفاقی میخوام تا در جهان بحیث بادر مقتدر گردش کرده بدکاران را محو سازم و بساط دروغ را برچینم. کسانی را که به قصد بدگوئی و بدکاری برخاسته اند، از انسان گرفته تا دیو و شیاطین و پری ناپدید سازم. ظالم ها و کر و کورهای را که گوش و چشم خود را از شنیدن و دیدن راه صواب مسدود کرده اند، از میان بردارم. رهن دو پا یا گرگ های چهار پا و دسته های مهاجمین خودسر را نابود گردانم.

اولین چیزی که از تو نیاز میکنم، ای هومای دور کننده مرگ، فردوس درخشان مسعود نیکوکاران است.

دومین چیزی که از تو نیاز میکنم ای هومای دور کننده مرگ، صحت بدن است. سومین چیزی که از تو نیاز میکنم ای هومای دور کننده مرگ طول عمر است. چهارمین چیزی که از تو نیاز میکنم ای هومای دور کننده مرگ اینست که تا در روی زمین راضی و قوی و مسعود گردش نمایم و بدکاران و دروغ گویان را ناپدید سازم. پنجمین چیزی که از تو نیاز میکنم ای هومای دور کننده مرگ، اینست که در روی زمین فاتح باشم در مجادله پیروزی یابم و بدکاری و دروغ گوئی را از میان بردارم. ششمین چیزی که از تو نیاز میکنم ای هومای دور کننده مرگ این است تا ما اول تر دزد، رهن و گرگ را دیده بتوانیم و دشمن اول تر ما را نه بیند و ما همیشه اول تر آنها را ببینیم.

به جنگ آورانی که دوش اسپ های خود را سریع میکنند، هوما سرعت و قوت میبخشد.

به زنانی که آرزومند کودک اند هوما کودک قشنگ و نیکوکاری میدهد. به رؤسای خانواده ها که مشغول تدریس «نسک»⁽¹²⁾ میباشند، هوما دانائی و سعادت میدهد. به دوشیزگانی که مدت های مدید باکره مانده اند، هومای هوشیار شوهری میدهد.

هوما «کرسائی»⁽¹³⁾ پادشاه جاه طلب را از تخت بر انداخت. این جاه طلب میخواست که منبهد روحانیون در گرد و نواح کشور تدریس امور مذهبی نکنند. او میخواست رفاه و سعادت را از میان بردارد.

شاد ذی ای هوما، تنها به قوه خود هر چه خواهی میتوانی، سعادت مر تراست که سخن راست بسیار میدانی، خوش باش، غیر از راستی سخنی از تو تراوش نمیکند. فردا کمر بند باستانی را که در آسمان ها ساخته شده و از قطار ستارگان زینت یافته است با آئین خود می آرم تا فراز کوه های بلند به کمر خود ببندی.

ای هوما کدخدای خانه، کدخدای دهکده، کدخدای قصبه، کدخدای کشور، صاحب سعادت و دانش، از تو نیاز میکنم تا این بدن قوی و فاتح و نیرومند و خوش باشد. ما را از مکر بدکاران نجات بده و غیظ قهر کنندگان را از ما دور دار. اگر در این خانه، اگر در ین دهکده، اگر در ین قصبه، اگر در ین کشور آدم شیطانی است، او را از پا درانداز. فکرش را مغشوش کن، افکارش را متلاشی نما، تا پاهایش از پیش رفتن بماند و دست دراز نتواند و چشمش روی زمین نه افتد. آدمی که در پی آزار روح ما است، آدمی که در پی آزار بدن ما است کور شود تا چشمش دیگر بر گاو شیری نه افتد.

ای هومای طلایی آدم نیکو کاری را که میخواهد «اشموغا»⁽¹⁴⁾ بی دین، منهدم کننده جهان را ناپدید سازد کمک مالی کن زیرا افکار و بیانات مذهبی را اظهار میکند و در کردار خود عمل نمی نماید.

ای هومای طلایی آدم نیکوکاری را که میخواهد بدن زن فاسقه را نابود سازد، کمک کن زیرا زن مذکور روح های نوسانی را مانند باد که پارچه ابری را بر دارد، گمراه میکند.

بلی ای هومای طلایی آدم نیکوکاری را در انهدام چنین زنی کمک کن. /مجله آریانا، شماره؟؟، 1327 کابل//نشر مجدد می 2012، بنیاد فرهنگی کهزاد/

یادداشت ها:

- 1- Havani رب النوع صبح
- 2- هوما، مشروب آریائی مرکب از عصاره گیاه کوهی و شیر و عسل.
- 3- Vivavhaut پدر یاما پادشاه
- 4- Athwya
- 5- Thrita
- 6- Samas را بعضی به سیستان نسبت داده و سام و زال و رستم را از احفاد او میدانند.
- 7- Urwakhshaya
- 8- Keresaspa
- 9- Pourushaspa پدر زراتشتر
- 10- Airyana Vdejah اولین قطعه خاک اوستائی که موقعیت آن را بین حورء سردریا و اکسوس در فرغانه قرار میدهند.
- 11- Ahuna Vairyah اسم فورمول آئین اوستائی
- 12- Nask پاره های اوستا
- 13- نام پادشاهی میباشد.
- 14- Ashemaogha اسم روحانی بی عمل است که در اوستا شهرت دارد.